

بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن

مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب

آرمان احمدی*

پویان اخیایی**

چکیده

شکاف نسلی، اگرچه امروزه بیشتر نمایان است، پدیده‌ای کهن و جزئی از زندگی بشر بوده است. از زمانی که انسان‌ها در تعاملات خود شیوه‌های گوناگونی اتخاذ کردند و ارتباطات اجتماعی به صورت گسترده‌ای برقرار شد، تفاوت در درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارها موجب جامعه‌پذیری ناهمسان شد و شکاف نسلی پدید آمد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان شکاف نسلی بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب و عوامل مؤثر در آن با روش پیمایشی انجام گرفته است. در این پژوهش به کمک فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. اعتبار محتوایی پرسش‌نامه را ۵ نفر از اساتید بررسی کردند و روایی مورد نیاز هم با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب روایی برای شکاف نسلی برابر ۰/۸۳ است که نشان‌دهنده روایی بالای پرسش‌نامه است. در ضمن، از آزمون‌های F ، T -test، هم‌بستگی پیرسون، و تحلیل رگرسیونی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها هم استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای دین‌داری، سرمایه فرهنگی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه اقتصادی، میزان تحصیلات پدران، و سن با شکاف نسلی وجود دارد، ولی جنسیت با شکاف نسلی رابطه معناداری را از خود نشان نداد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره تحقیق نشان داد حدود ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل پژوهش تبیین کرده‌اند.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) ahmadiarman168@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز pouyan_ehyayi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

کلیدواژه‌ها: شکاف نسلی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، دین‌داری، وسایل ارتباط جمعی.

۱. مقدمه

شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، و فرهنگی و تفاوت معنادر در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی، و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل را هم‌زمان در یک جامعه بررسی می‌کند. موضوع شکاف نسلی از دیرباز از سوی علمای اجتماعی به‌ویژه روان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، مردم‌شناسان فرهنگی، علمای سیاسی، و جامعه‌شناسان بحث و بررسی شده است.

شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. از آن‌جا که انتقال فرهنگی بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ‌گونه تشابه بین این دو نسل، قرار دارد، اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، نوعی آسیب برای جوامع به شمار می‌آید، چرا که انتقال کامل اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موقعیت‌های جدید را به نسل جدید نمی‌دهد و در این صورت نسلی نو با مفهوم واقعی جامعه‌شناختی، که دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های خاص خود باشد، پدید نمی‌آید. انتقال کاملاً ناقص هم اجازه کنش هماهنگ بین نسل‌ها را نمی‌دهد (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۳).

یکی از مسائلی که امروزه در حوزه آسیب‌شناسی خانواده به‌شدت مطرح است مسئله شکاف نسلی میان والدین و فرزندان به‌منزله نسل دیروز و نسل امروز است. به عبارتی، ساختار روابط بین والدین و فرزندان، در خانواده هسته‌ای مدرن، دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. در خانواده معاصر به دلایل علی چون فردگرایی، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش اقتدار والدین، و افزایش سریع و وسیع دسترسی به ارتباطات جمعی کودکان و نوجوانان فاصله بیشتری با والدین پیدا کرده‌اند. موج مدرنیزاسیون که آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی، و بسیاری موارد دیگر را با خود به همراه آورده بود موجب افزایش آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر کرد (زمانیان، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۵).

در اهمیت شکاف نسلی می‌توان گفت که در جامعه جدید از یک سو تأکید بر ارزش‌های فردگرایانه باعث پیشرفت جامعه شده است و از سوی دیگر، تبعاتی مثل انواع

انحرافات اجتماعی را در پی دارد. این در حالی است که به نظر روبرت نیزبت طی سال‌های اخیر تفاوت شایان ملاحظه‌ای میان ارزش‌های جوانان با والدین مشاهده می‌شود. همچنین، در دهه‌های اخیر موج مدرنیزاسیون که آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی، و بسیاری موارد دیگر را به همراه آورده موجب افزایش آگاهی‌های عمومی نسل جدید شده و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر کرده است (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

امروزه آنچه با عنوان شکاف نسل‌ها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود گسست تعارضات ارزشی بین والدین و فرزندان است که اذهان اندیشمندان، برنامه‌ریزان، و حتی توده مردم را نگران کرده است. شواهد حاکی از آن است که در سال‌های اخیر به تدریج چالش بین والدین و فرزندان گسترش یافته است. اگر فاصله و جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود، به تعارض بین نسل‌ها که همان شکاف نسلی است می‌انجامد. از آن‌جا که جامعه همیشه در مسیری رو به پیشرفت و در حال گذار است، باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می‌گذارد که با توجه به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هر جامعه‌ای این تأثیرات متفاوت خواهد بود (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۷).

امروزه در حوزه جامعه‌شناسی یکی از مفاهیمی که در خلال همین گذار بسیار به آن توجه می‌شود موضوع شکاف نسلی است. از آن‌جا که این گذار رو به پیشرفت بیشترین تأثیرات خود را در قشر جوان می‌گذارد پس توجه به آن بسیار حائز اهمیت است.

در این مقاله شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در دبیرستان‌های شهرستان سراب در ارتباط با چند عامل مهم از جمله وسایل ارتباط جمعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، دین‌داری، سن، تحصیلات، و جنسیت بررسی شده است. از اهداف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مهم در بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان است. درک این‌که چه عواملی موجب بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌شود بسیار ضروری است تا بتوان در کاهش این‌گونه عوامل کوشید. بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که کدام عوامل موجب بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌شود؟

۲. اهداف کلی پژوهش

تعیین عوامل مؤثر در شکاف نسلی والدین و فرزندان در شهرستان سراب.

۳. اهداف جزئی

- الف) تعیین ارتباط جنسیت دانش‌آموزان با شکاف نسلی؛
- ب) تعیین ارتباط سن دانش‌آموزان با شکاف نسلی؛
- ج) تأثیر سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، و دین‌داری در شکاف نسلی؛
- د) مطالعه تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی در شکاف نسلی؛
- ه) تعیین ارتباط میزان تحصیلات پدران با شکاف نسلی.

۴. مبانی نظری تحقیق

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، موضوع شکاف نسلی تا پیش از پیدایش جامعه صنعتی مسئله‌ای درخور توجه نبوده و حتی پیش از قرن بیستم امری آشکار، به‌منزله مسئله‌ای اجتماعی، نبوده است. در گذشته علل بسیاری مانند اختلاف بسیار ناچیز در مراتب و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌های سنی مختلف، رعایت اصل احترام به بزرگ‌ترها، انتقال طبیعی فرهنگ و رسوم جوامع به نسل جدید بدون هر گونه جهش، و وجود الگوهای واحد اندیشه و تفکر و رفتار در نسل‌ها سبب می‌شد تغییرات بسیار کند و بطئی باشد (شفرز، ۱۳۸۳: ۴۰).

درگیری در شرایط اجتماعی مدرن در پی رشد پس از جنگ جهانی دوم با شرایط ماقبل مدرن، به همراه افزایش آگاهی مردم از وضعیت خود و جوامع دیگر، و توانایی بالقوه در نسل جدید همگی سبب شد نگرش‌های جدیدی در نسل جوان پدید آید. در نتیجه شکاف نسلی به‌منزله پدیده‌ای مهم خودنمایی کرد. دیگر نمی‌توان تفاوت طبیعی بین نسل‌های قدیم و جدید را امری عادی تلقی کرد. این برداشت که نسل امروزی بسیار عمیق‌تر از نسل گذشته می‌فهمد و در پی تغییرات است و توانایی بیشتری دارد واقعیتی آشکار است. بنابراین می‌توان گفت که مسائل نسلی مسئله مشترک جهان امروزی است به‌ویژه در جوامعی که شتاب و سرعت تغییرات اجتماعی در آن‌ها بیشتر است (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۸).

به نظر بنگستون سه دیدگاه عمده درباره شکاف یا گسست نسلی مطرح است: الف) دیدگاهی که از وجود شکاف بزرگ حمایت می‌کند؛ ب) دیدگاهی که در نقطه مقابل شکاف بزرگ را توهم می‌داند و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند؛ و ج) دیدگاه سوم دیدگاهی بین دو دیدگاه پیشین است و اعتقاد به وجود گسست و تفاوت انتخابی میان نسل‌ها دارد.

پیروان دیدگاه حمایت از وجود شکاف بزرگ بر آن اند که این شکاف میان جوانان و بزرگسالان بالنسبه گسترش یافته است. در این دیدگاه، فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان، که بر مبنای قبول ارزش‌های رایج است، جدا شده و با آن مخالف است. از این نظر فرهنگ جدیدی در این جوامع رایج شده که بر اساس آن جوانان از میان معاصران الگوهای نقشی خود را برمی‌گزینند. به طور کلی این دیدگاه ذهنی و فاقد داده‌های تجربی است. این دیدگاه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان تمایز یافته است. استدلال اساسی آنان مبتنی بر ستیز رفتار جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند. نقطه مقابل این دیدگاه معتقد است که ارزش‌های جوانان (آنچنان که دیدگاه اول معتقد است) بی‌شبهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. اگر چه به نظر می‌رسد جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این «شکاف» ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت میان جوانان ندارد. به نظر می‌رسد این جدایی مربوط به کاربرد وضعیت مجوزهای هنجاری برای واقعیت ارزشی باشد. به عبارت دیگر، ستیز بین نسلی ناشی از وسایل به‌کار گرفته‌شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته‌شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان؛ اگر چه یافته‌های تجربی فراوانی در تأیید این دیدگاه وجود دارد، اما توماس این یافته‌ها را کاملاً قانع‌کننده نمی‌داند.

سومین دیدگاه، یعنی گسست و تفاوت انتخابی، ستیز کم بین ارزش‌های نسل‌ها را می‌پذیرد؛ در عین حال مدافعان این دیدگاه با فرضیه «توهم شکاف» و القایی بودن شکاف نسلی موافق‌اند. مشکل این دیدگاه از نظر بنگستون این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند این اختلافات چیست، چطور ایجاد می‌شود، و در آینده چه پیامدهایی دارد (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۹).

اینگلهارت در کتاب خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی درباره تفاوت سنی یا نسل‌ها چهار فرضیه اساسی را مطرح می‌کند و درباره امکان یا عدم امکان شکاف یا گسست نسلی گفته است:

۱. فرضیه چرخه زندگی یا سال‌خوردگی، که بر اساس آن گفته می‌شود تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف امری طبیعی و مربوط به اقتضانات روان‌شناختی هر دوره از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره مربوط و رفتن به گروه سنی دیگر ارزش‌های پیشین در او به تدریج کمتر می‌شود و ارزش‌های گروه

سنی جدید را به خود می‌گیرد. با این وصف اگر تفاوت‌هایی میان جوانان با بزرگسالان در ارزش مشاهده شود، به اقتضای شرایط سنی آنان است و با گذر از این شرایط و قرارگرفتن در شرایط سنی بزرگسالان وضعیت بزرگسالان را پیدا می‌کنند و این چرخه همچنان طی زمان به پیش می‌رود؛

۲. فرضیه دوره‌ای، که بر اساس آن تفاوت سنی یا نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش در همه گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یک‌دیگر مربوط می‌شود. با اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست به تدریج ارزش‌های همراه با آن نیز در همه افراد جمعیت تغییرات اساسی می‌کنند. البته افراد در مسیر این تحولات ارزش‌ها با توجه به نزدیکی و دوری از این تغییرات دیرتر یا زودتر این تغییرات را به خود می‌گیرند. همچنین، از آن‌جا که در شرایط سنی متفاوت میزان پذیرش و انعطاف نسبت به تغییرات متفاوت است، معمولاً جوانان نسبت به بزرگسالان زودتر در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند؛

۳. فرضیه گروه سنی، که تفاوت سنی یا نسل‌ها را در واقع دگرگونی اساسی در ارزش‌های نسل‌های جدید با ارزش‌های نسل پیشین تلقی می‌کند. در این فرضیه در واقع نسل جدید ارزش‌های کاملاً متفاوتی با نسل‌های قبل دارد و با گذشت زمان با ورود گسترده این نسل به عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی - اجتماعی به تدریج فرایند جانشینی ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های نسل قبل انجام می‌شود؛

۴. فرضیه ترکیبی، که بر اساس آن تفاوت سنی یا نسلی ناشی از چرخه زندگی، اقتضات سنی، و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یک‌دیگر و تغییر در ارزش‌های نسل جدید، که به تدریج با نقش‌های بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی - اجتماعی همراه است، جانشین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود. البته می‌توان ترکیب فرضیه اول و دوم را در نظر گرفت (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸۶-۸۷).

اینگلهارت دو فرضیه درباره عوامل مؤثر در شکاف نسلی دهه ۱۹۶۰ جامعه اروپایی و دگرگونی ارزش‌ها و جانشینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی در میان جوانان مطرح می‌کند: الف) فرضیه کامیابی: اولویت فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است. ب) فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویت ارزشی رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست. در این میان تأخیر زمانی محسوسی وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخصی تا حدود بسیاری انعکاس شرایطی است که طی سال‌های قبل از

بلوغ وی حاکم بوده است. بر اساس این فرضیه، رشد انسان طی سال‌های قبل از بلوغ به مراتب سریع‌تر از دوران پس از آن است و شواهد زیادی حاکی از آن‌اند که احتمال آماری دگرگونی شخصیت پایه پس از آن‌که شخصی به بزرگسالی رسیده به سرعت کاهش می‌یابد. این دو فرضیه با هم مجموعه‌ای به هم پیوسته از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. فرضیه کامیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد و فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه به طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کند برعکس دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و به طور نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر جانشین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال جامعه می‌شود (معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۰).

اما اینگلهارت تغییر شرایط اقتصادی - اجتماعی در اروپا پس از جنگ را علت تغییرات اساسی نسل پس از جنگ جهانی دوم با نسل قبل از جنگ می‌داند. وی با تأکید بر نظریه مازلو در طبقه‌بندی نیازها و تقدم نیازهای مادی مانند معیشت و امنیت بر نیازهای فرامادی و عبور از نیازهای مادی به فرامادی پس از تأمین نیازهای مادی، معتقد است که از دهه ۱۹۶۰ جامعه غربی به سطح مطلوبی از تأمین نیازهای معیشتی و به‌ویژه امنیتی رسید و، بر اساس فرضیه کامیابی در نسل جدید، گرایش به ارزش‌های فرامادی شدت گرفت. البته این گرایش به تدریج در سایر گروه‌های سنی نیز با کاهش کم و بیش آهسته جوانان جریان یافت و پس از ۱۰ الی ۱۵ سال پس از آن‌که جوانان نقش‌های مهم در جامعه یافتند، جانشینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی به پدیده‌ای رایج تبدیل شد. از نظر اینگلهارت، مسئله شکاف نسلی صرفاً در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ اهمیت داشت و ناشی از گذر جامعه از یک سطح از نیازها به سطح دیگر آن در اثر شکوفایی اقتصادی بود (ارمکی، ۱۳۸۳: ۴۵).

مانه‌ایم معتقد است که نسل موجودیتی اجتماعی است، نه یک ضرورت بیولوژیکی. پیدایش نسل اجتماعی با تغییرات اجتماعی و سرعت آن مرتبط است و در وضعیتی که تغییرات کند و کمیاب باشد یک نسل مجزای جدید ظاهر نمی‌شود، بلکه این وضعیت در پی حوادث بسیار و سریع رخ می‌دهد. چنان‌چه یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز شوند، می‌توان از یک نسل جدید صحبت کرد (نیازی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

از نظر مانهایم، نسل محور محمل انتقال و تداوم و جهت‌گیری فکری و فرهنگ جدیدی است و در بستر اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای ریشه دارد که هر نسل معین در آن رشد کرده است. این جهت‌گیری به صورت اهداف، نیت‌ها، و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود. مانهایم افرادی را که در نسل‌ها بر اساس تجربه‌های مشترک دیدگاه مشترک دارند از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز و از آن‌ها به منزله واحد نسلی یاد می‌کند (ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۹).

به نظر مانهایم، ارزش‌های جدید فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان‌اند: الف) جریان ظهور نسل‌های جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش‌بینی‌نشده و جدید را در مقابل جریان‌های فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع پارادایم جدیدی برای تحلیل می‌طلبد. از نظر مانهایم ارزش‌ها و تفکرات متغیر وابسته و در عین حال مستقل به شمار می‌آیند. آن‌ها از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت‌اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان‌نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدیدتر سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، راه‌های تغییرات اجتماعی را هموار می‌کنند. مانهایم معتقد است که تغییر ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود، به طوری که نظام آموزشی جدیدی نیاز است تا نسل‌های گذشته را با تغییرات فرهنگی هم‌نوا کند. بنابراین، دیدگاه مانهایم تحلیلی تاریخی و ذهنی از پدیده شکاف نسلی به دست می‌دهد که تأکید آن بر تجارب ویژه آگاهی و ذهنیت نسلی به منزله اسباب اصلی تضاد پایدار در افکار و ارزش‌ها در سطح نسل‌هاست (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۹).

اجمالاً می‌توان گفت مانهایم دورانی از تغییرات سریع فرهنگی را علت پدیده شکاف نسلی می‌داند که در پی آن تغییرات سنتی و میراث‌های فرهنگی برجای مانده از نسل‌های قبلی از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود؛ البته به نظر مانهایم بنیان اصلی و پیش‌گامان این تحول فرهنگی افراد انگشت‌شماری از نسل پیشین به نام طایفه‌داران‌اند، اما مهم آن است که عوامل تغییر اجتماعی نسل جدید تحت تأثیر طایفه‌داران از نسل قبلی‌اند و هم در مقابل نسل قبل و هم در برابر نسل‌های خود که تابع نسل‌های قبلی‌اند خروج می‌کنند (قاضی‌نژاد و توکلی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

تراوب و دادر با تأکید بر وجود شکاف بزرگ بین نسلی معتقدند که علت اساسی

پیدایش این شکاف وجود جامعه تمایزیافته بر اساس سن است. در چنین جامعه‌ای به نظر نمی‌رسد جوانان و بزرگسالان به طور معنادار و مکرر با یکدیگر در کنش متقابل باشند، بلکه جوانان با دیگر جوانان و بزرگسالان با دیگر بزرگسالان در کنش متقابل‌اند. تراوب و دادر برای توضیح نظر خود دو مفهوم دیگر را نیز به کار می‌برند که یکی مفهوم هنجارهای مستقر و دیگری هنجارهای پیداشده یا پدیدآمده است. هنجارهای مستقر همان مجوزهای رفتاری ساخت‌یافته و دارای پیشینه تاریخی یک جامعه‌اند که همیشه در گذشته وسایل تحقق اهداف بوده‌اند و هنجارهای پیداشده کمتر از هنجارهای مستقر ساخت‌یافته‌اند و عمدتاً پیشینه تاریخی نیز ندارند، هر چند معطوف به آینده نیستند، و در عوض مبتنی بر کنش‌های معطوف به اکنون و این‌جایند، اما تراوب و دادر علت اساسی پیدایش شکاف نسلی را وجود جامعه تمایزیافته بر اساس سن می‌دانند. در جامعه توسعه‌یافته فرایند تمایزپذیری پدیده‌ای عام و در حال گسترش است. این تمایزپذیری به تدریج به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله سن سرایت می‌کند. از آن‌جا که اعضای گروه‌های سنی مختلف برخلاف گذشته در قالب خانواده سنتی (که تقریباً همه کارکردهای نظام اجتماعی را دربر می‌گیرد) با یکدیگر تعامل ندارند و تعامل افراد عمدتاً در گروه‌های سنی انجام می‌گیرد (جوانان با جوانان، میانسالان با میانسالان و سالمندان با سالمندان)، بنابراین به تدریج هر گروه سنی دارای ارزش‌های خاص خود می‌شود و از گروه‌های سنی دیگر تمایز اساسی پیدا می‌کند (معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۵).

رونالد اینگلهارت معتقد است که تغییر ارزشی روندی است که از نسلی به نسلی دیگر رخ می‌دهد نه به طور مداوم از سالی به سال دیگر. همچنین، گسترش رسانه‌های جمعی به تغییر ارزش‌ها منجر شده است به طوری که در عصر کنونی جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های انسانی اثر گذاشته است. لباس‌های یک‌شکل جوانان و موسیقی‌های جدید از نمونه‌های تأثیر استفاده رسانه در تغییر رفتارها و ارزش‌های نسلی کنونی و پایبند نبودن آن‌ها به سنت‌های فرهنگی است.

یان رابرتسون جامعه‌شناس معتقد است که از اوایل قرن بیستم رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهم‌تر این‌که در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات و به ویژه اینترنت فضای ارتباطات و اثرگذاری آن‌ها بسیار افزایش یافته است. به

طوری که ما هم اکنون تحت تأثیر این رسانه‌های نوین هستیم، به عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آن‌ها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. وسایل ارتباطی زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد که دامنه آن اخبار، عقاید، هوا و هوس‌ها، و مدها را دربر می‌گیرد. تغییرات هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به سرعت در رسانه‌های گروهی بازتاب می‌یابد و ممکن است مردم آن‌ها را به‌آسانی بپذیرند. گسترش سریع گرایش‌های جدید در فرهنگ جوانان بیشتر به رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، مجلات ویژه جوانان، و سینما بستگی دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۳۳۶). از آن‌جا که درک صحیح از ارزش‌های انسجام اجتماعی در جلوگیری از شکاف نسلی مؤثر است، رسانه‌ها با آموزش و تأکید بر ارزش‌های ملی در ثبات و وفاق و دوری از شکاف نسلی اثر گذارند.

از عوامل دیگری که در ارتباط با شکاف نسلی بررسی شده است سرمایه اقتصادی و فرهنگی است. از دیدگاه پیر بوردیو (P. Bourdieu)، سرمایه اقتصادی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بوردیو معتقد است که عاملان اجتماعی تا آن‌جا با یک‌دیگر مشترکات دارند که در این دستگاه دوعده‌ای (سرمایه اقتصادی - سرمایه فرهنگی) به یک‌دیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند. فاصله فیزیکی میان جایگاه دو نقطه روی کاغذ هم‌سنگ فاصله اجتماعی دو کنش‌گری است که آن دو نقطه نماد آن‌ها بوده است. بر اساس میزان کل سرمایه‌ای که در شکل‌های متفاوت دارند و در بعد دوم بر اساس ساختار سرمایه‌شان، یعنی بر اساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه که به صورت جداگانه دارند، توزیع می‌شوند. این‌ها منشأ تفاوت در سلاطین و از رهگذر آن‌ها منشأ تفاوت در موضع‌گیری‌هاست (فعلی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸).

به اعتقاد دورکیم، دین یک نظام یکپارچه عقاید و اعمال به چیزهای مقدس است (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۷). دین یک پدیده سراسر جمعی و وسیله‌ای است که انسان‌ها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نظامی فکری است که افراد جامعه خودشان را با آن باز می‌نمایند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه از این طریق بیان می‌کنند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۴۰). از نظر ماکس

وبر، دین اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است و می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه، انسان‌ها را به کنارآمدن با آن‌ها قادر می‌کند و در برابر این مشکلات به آن‌ها اعتماد به نفس می‌بخشد. مفاهیم مذهبی بر اثر این واقعیت پدید می‌آیند که زندگی اساساً مخاطره‌آمیز و نامطمئن است. بی‌اطمینانی به این معناست که انسان‌ها برخی از چیزها را آرزو می‌کنند، ولی آرزوهایشان برآورده نمی‌شود؛ تنش ناشی از این اختلاف سرچشمهٔ معناست. دین کوششی برای کنارآمدن با واقعیت‌های ناگوار است. از طریق آموزه‌های مذهبی چنین وانمود می‌شود که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان فقط ظاهری‌اند. به نظر وبر در جوامع ابتدایی میل به بقا و برخورداری در این جهان مادی برانگیزانندهٔ رفتار مذهبی است (سراج‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۵).

۵. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش الیاسی (۱۳۸۶) دربارهٔ سنجش رابطهٔ گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران انجام گرفت. این تحقیق، که با روش پیمایشی و در نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ پدر و دانش‌آموز و به صورت تصادفی صورت گرفت، نشان داد که اولاً، بین دو سوم نوجوانان و پدران آنان گسست روانی وجود داشت؛ ثانیاً، بین رشد اخلاقی پدران و میزان گسست روانی آنان با فرزندان‌شان رابطهٔ معناداری وجود داشت؛ ثالثاً، بین رشد اخلاقی پدران و همخوانی نگرش‌های سیاسی آنان با نگرش‌های فرزندان‌شان رابطهٔ معناداری وجود داشت.

محمدی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «شکاف نسلی خانواده‌های ایرانی» به تبیین عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، و شکاف نسلی پرداخته است. در این تحقیق که به روش توصیفی - پیمایشی بوده است محقق به این نتیجه رسیده است که عوامل سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی - اجتماعی در شکاف نسلی بین پدران، مادران، دختران، و پسران معنادار است، و پس از محاسبهٔ شکاف ارزشی کلی به این نتیجه رسید که میانگین ارزش‌های پسران و دختران تفاوت درخور ملاحظه‌ای با پدران و مادران داشت.

قدیمی (۱۳۸۸) در بررسی شکاف نسلی بین دانش‌آموزان زنجان که به روش پیمایشی انجام داده به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای مستقل (تحصیلات والدین، اعتماد اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، احساس نابرابری، احساس محرومیت نسبی، احساس انومی اجتماعی، گرایش به اعتقادات دینی، استفاده از رسانه، و عوامل فردی) و میزان شکاف نسلی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

پورجبللی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «عوامل جامعه شناختی مؤثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان جوانان و مقایسه آن با والدین» انجام داده است. در این تحقیق که به صورت پیمایشی - توصیفی است جامعه آماری تحقیق افراد ۱۵ تا ۵۴ سال زنجان بودند محقق به این نتیجه رسیده است که تفاوت معناداری بین دو نسل جوانان و والدین، زنان، میزان استفاده از رسانه‌ها، تحصیلات والدین با انسجام نسلی وجود دارد، ولی بین انسجام نسلی و اوقات فراغت، تعداد اعضای خانواده، و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

اسمیت (Smith)، رجرز و برادی (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «شکاف نسلی: وساطت تکنولوژی در مدیریت شبکه‌های اجتماعی شخصی» به بررسی میزان و چگونگی استفاده جوانان و والدین از وسایل ارتباط جمعی، پیام کوتاه، پست الکترونیکی، تلفن همراه، و تلفن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جوان‌ترها به طور کاملاً متفاوتی از والدین خود و پیرترها از این وسایل استفاده می‌کنند. جوان‌ترها بیشتر اوقات خود را با خانواده و دوستان می‌گذارند، اما زمانی که نمی‌توانند با آن‌ها باشند از انواع مختلف وسایل یاد شده برای پرکردن اوقات خود استفاده می‌کنند.

مرالی (N. Merali, 2006) در پژوهشی با عنوان «وضعیت همگون‌سازی فردی و شکاف بین نسلی در خانواده‌های اسپانیایی - پرتغالی» به ارزیابی وضعیت همگون‌سازی بین والدین و نوجوانان پناهنده و تجربیات متصوره (perceived) و واقعی (actual) آن‌ها درباره تفاوت بین نسلی با توجه به رفتار قابل پذیرش و غیر قابل پذیرش نوجوانان پرداخت. برای انجام این پژوهش پنجاه جفت والدین - فرزندان نوجوان مصاحبه شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که وضعیت همگون‌سازی فردی والدین و فرزندان نوجوان با میزان واقعی شکاف بین نسلی در خانواده‌ها مرتبط بود، اما با شکاف‌های متصوره رابطه‌ای نداشت. این گواهی بر فقدان آگاهی از نقش تغییرات فرهنگی در سطح فردی در پویایی‌های خانواده بوده است. به نظر مرالی این نقطه کور ممکن است در زیربنای گرایش خانواده به نسبت دادن رفتارهای همگون‌سازانه نوجوانان به نافرمانی و نیز گرایش به نسبت دادن واکنش‌های والدین به سوءاستفاده از اقتدار مربوط به نقش پدر و مادری نهفته باشد.

زنگ (Y. B. Zhang, 2007) در تحقیقی عوامل آغازین تضاد بین نسلی در چین را با استفاده از گزارش‌های مکتوب جوانان بزرگسال بررسی کرد. در این پژوهش، با استفاده از رهیافت تحلیل محتوا، پنج دسته عمده از عواملی که موجب تضاد بین نسلی می‌شوند مشخص شدند؛ از آن جمله انتقاد مسن‌ها از جوانان که بیشترین فراوانی را داشتند، مطالبات

غیرقانونی (نامعقول)، و بی‌اعتنایی به جوانان از طرف افراد مسن خارج از خانواده نسبت به افراد مسن خانواده بیشتر بوده است، اما در حوزه انتقاد افراد مسن به جوانان یا جوانان به افراد مسن و تقاضاهای نامعقول تقریباً چنین تفاوتی در خانواده و خارج از آن مشاهده نشد. نتایج این پژوهش با توجه به بررسی روابط بین نسلی، تضاد میان فردی، و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی درباره سلسله‌مراتب و وفاداری فرزندان بحث و بررسی شد.

۶. فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین سن، جنسیت، و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛
۲. به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات پدران و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛
۳. به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛
۴. به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛
۵. به نظر می‌رسد بین دین‌داری و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛
۶. به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

۷. مدل تحلیلی تحقیق



۸. روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی از نوع هم‌بستگی، از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد، و از نظر

زمانی یک بررسی مقطعی است؛ برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه به صورت بسته پاسخ (در قالب طیف لیکرت) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

۹. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش آموزان پسر و دختر دوره متوسطه شهرستان سراب تشکیل داده‌اند. تعداد کل آن‌ها برابر با ۸۳۶۰ نفر است. نمونه‌گیری در تحقیق حاضر خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. نخست، اسامی دبیرستان‌های سطح شهر سراب، شامل ۹ دبیرستان دولتی و ۴ دبیرستان غیر دولتی، و تعداد دانش آموزان هر یک از دبیرستان‌ها با کمک کارشناس آمار آموزش و پرورش به دست آمد، سپس برای به دست آوردن حجم نمونه، با توجه به نسبت دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی، به صورت تصادفی ۲ دبیرستان از میان دبیرستان‌های غیرانتفاعی و ۴ دبیرستان از میان دبیرستان‌های دولتی، با توجه به تناسب حجم دانش آموزان و پایه تحصیلی آن‌ها، انتخاب شدند که با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۰۰ نفر است.

$$n = \frac{nt^2.pq}{nd^2 + t^2.pq} =$$

N: تعداد جامعه آماری

n: تعداد نمونه آماری

p: وجود صفت

q: عدم وجود صفت

t: ضریب اطمینان با ۹۹ درصد

d: دقت احتمالی برآورد با خطای ۰/۰۵

$$\frac{8360 \times 1/96^2 \times 5^2}{[(8360 \times 0/05^2) + [1/96^2 \times 5^2]} = 300$$

۱۰. اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

در این پژوهش اعتبار (validity) سؤالات مربوط به شکاف نسلی از طریق اعتبار صوری

برآورد شد. به گونه‌ای که بعد از تهیه سؤالات آن‌ها را در اختیار چند متخصص قرار داده و پرسش‌نامه از نظر آن‌ها تأیید شده است. همچنین، برای تعیین پایایی (reliability) سؤالات پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ (Cronbachs Alpha) استفاده شد. نتایج تحلیل پایایی سنج‌های پرسش‌نامه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته و مستقل

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
شکاف نسلی	۱۰	۰/۸۳
دین‌داری	۱۹	۰/۸۵
وسایل ارتباط جمعی	۶	۰/۷۲
سرمایه اقتصادی	۵	۰/۸۰
سرمایه فرهنگی	۱۳	۰/۶۸

۱۱. تعریف مفهومی و عملیاتی

شکاف نسلی (generation gap): شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، و فرهنگی و تفاوت معنادار بینش و آگاهی، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی، و الگوهای رفتاری میان دو نسل را هم‌زمان در یک جامعه بررسی می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در پژوهش حاضر برای سنجش این متغیر از معرف‌های: اختلاف نظرهای بین دو نسل در زمینه‌ها و حوزه‌های ارزش‌ها، نگرش‌های دینی، هنجارهای اجتماعی، حوزه ارزش‌های اجتماعی، ترجیحات سیاسی، و به نوعی احساس تعلق به جامعه و ... استفاده شده است که میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۸۳ است؛ مقدار آلفای کرونباخ بین صفر تا یک است که هر قدر به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده هم‌بستگی درونی بیشتر گویه با یک‌دیگر است.

دین‌داری: دین‌داری به معنای داشتن حساسیت سنتی به رفتارهای دینی و رعایت موازین دینی در اعمال زندگی روزانه است (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۳). برای سنجش این متغیر از معرف‌های: قرائت کتاب آسمانی، شرکت در نماز جماعت، مراسم مذهبی، مسلمان‌بودن، احساس توبه، احساس ترس از خدا، و ... استفاده شده است؛ میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۸۵ است.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در وی انباشته می شود. سرمایه فرهنگی یا مهارت های بین شخصی و غیررسمی شامل عادت ها، روش ها، شبکه ساخت زبان، مدارک تحصیلی، سلیقه، و غیره می شود (همان: ۴۴). در این پژوهش مطالعه روزنامه، رفتن به موزه، شرکت در سخنرانی ها، علاقه به موسیقی، و ... معرف سرمایه فرهنگی اند که میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۶۸ است.

سرمایه اقتصادی: بورديو سرمایه اقتصادی را با عنوان درآمد و بقیه انواع منابع مالی، که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می کند، نام می برد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). در این تحقیق، به منظور سنجش سرمایه اقتصادی از میزان درآمد ماهانه، ارزش منزل مسکونی، قیمت اتومبیل، ارزش زمین یا ملک شخصی استفاده شده است که میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۸۰ است.

وسایل ارتباط جمعی: به همه وسایلی گفته می شود که در آن فرستنده پیام بتواند پیام خود را به جمع بسیاری از افراد برساند. منظور از رسانه های جمعی همان رادیو، اینترنت، و تلویزیون است (کازینو، ۱۹۷۴: ۷۱). در پژوهش حاضر برای سنجش این متغیر از معرف های: استفاده از ماهواره، تلویزیون ملی، تلویزیون محلی، اینترنت، مجله، رادیو، و ... استفاده شده است که میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۲ است.

سن: تعداد سال های سپری شده فرد طی زندگی را می گویند. برای سنجش این متغیر، با طرح یک سؤال باز به بررسی میزان سن افراد پرداخته شد.

میزان تحصیلات پدر: منظور میزان آگاهی و سواد پدر است. برای عملیاتی کردن آن این متغیر در سطح سنجش ترتیبی با طبقات معین شامل ابتدایی، متوسطه، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری، و بالاتر سنجیده می شود.

۱.۲ یافته های تحقیق

۱.۱۲ یافته های توصیفی تحقیق

از مجموع پاسخ گویان مورد مطالعه، ۴۳/۳ درصد پسر و ۵۶/۷ درصد دخترند. از تعداد کل پاسخ گویان سطح سواد پدران به ترتیب: بی سواد ۱۴ درصد، ابتدایی ۱۴/۷ درصد که پدران این دانش آموزان بیشتر در این سطح قرار دارند، راهنمایی ۱۹ درصد، دیپلم ۲۰/۷

جدول ۳. آماره پراکندگی مربوط به متغیرهای اصلی در موضوع تحقیق

متغیر	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	مقدار متوسط
دین داری	۱۹	۱۸	۵۹	۳۹/۵۰	۷/۲۹	۵۲/۴۳	۰/۰۲۶	۴۷/۵
سرمایه فرهنگی	۲۹	۱۷	۴۹	۳۵/۰۹	۵/۲۱	۲۷/۱۹	-۰/۲۵	۳۳
سرمایه اقتصادی	۲۰	۶	۲۴	۱۱/۰۶	۴/۸۵	۲۳/۹۲	۱/۰۴	۱۵
سن	۴۴	۱۵	۲۰	۱۷/۲۳	۵/۶۶	۳۲/۱۴	۰/۹۱۴	۱۷/۵
وسایل ارتباط جمعی	۸۹	۶	۹۵	۲۱/۰۶	۷/۹۹	۶۳/۸۹	۰/۰۲۹	۵۰/۵

بر اساس آماره‌های توصیفی، متغیر مستقل دین داری با استفاده از ۱۹ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است. نمره ۱۹ نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح دین داری و نمره ۹۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح دین داری شهروندان مورد مطالعه است. با میانگین دین داری ۳۹/۵۰ و میزان چولگی ۰/۰۲۶ می‌توان گفت که نمره دین داری متوسط رو به بالاست. متغیر مستقل سرمایه فرهنگی با استفاده از ۱۳ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است، که نمره ۱۳ نشان‌دهنده کمترین سرمایه فرهنگی و نمره ۶۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح سرمایه فرهنگی شهروندان مورد مطالعه است. با میانگین ۳۵/۰۹ و میزان چولگی -۰/۲۵ می‌توان گفت که نمره سرمایه فرهنگی نسبتاً متوسط به بالاست. متغیر مستقل سرمایه اقتصادی با استفاده از ۵ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۶ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است که نمره ۶ نشان‌دهنده کمترین سرمایه اقتصادی و نمره ۳۰ نشان‌دهنده بالاترین میزان سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان مورد مطالعه است. با میانگین ۱۱/۰۶ و چولگی ۱/۰۴ می‌توان گفت که نمره سرمایه اقتصادی پاسخ‌گویان متوسط به پایین است. متغیر مستقل استفاده از رسانه با استفاده از ۶ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است که نمره ۶ نشان‌دهنده کمترین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نمره ۳۰ نشان‌دهنده بیشترین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی دانش‌آموزان مورد مطالعه است. با میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی ۲۱/۰۶ و میزان چولگی ۰/۰۲۹ می‌توان گفت که نمره استفاده از وسایل ارتباط جمعی بسیار بالاست.

۳.۱۲ یافته‌های استنباطی

از آن‌جا که شکاف نسلی در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود بنابراین، برای مقایسه دو گروه (دختر و پسر) از آزمون T-test استفاده شد که نتایج آن در ذیل آورده می‌شود:

جدول ۴. تفاوت میانگین شکاف نسلی به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار
پسر	۱۶۴	۶۰/۷۱۳	۲۰/۴۷۷	۱/۵۹۸
دختر	۱۲۰	۵۹/۹۰۸	۱۱/۴۴۰	۱/۰۴۴

جدول ۵. تفاوت میانگین شکاف نسلی با جنسیت

	مقدار F	سطح معنی داری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان برای سطح ۹۵٪	
							حد بالا	حد پایین
برابری واریانس‌ها	۱/۸۸۴	۰/۱۷۱	۰/۳۸۸	۲۸۲	۰/۶۹۸	۰/۸۰۵	۴/۸۴۴	-۳/۲۷۴
نابرابری واریانس‌ها			۰/۴۴۲	۲۶۵/۵۳۷	۰/۶۷۴	۰/۸۰۵	۴/۵۶۵	-۲/۹۵۵

با توجه به جدول بالا و با توجه به سطح معنی داری F، از برابری واریانس‌ها نتیجه گرفته می‌شود که سطح معنی داری برای t متناسب با برابری واریانس‌ها مساوی با ۰/۶۹۸ است که فرض صفر را نتیجه می‌دهد؛ بدین معنی که شکاف نسلی بین والدین و دانش‌آموزان در بین دو جنسیت تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند.

به نظر می‌رسد بین شکاف نسلی والدین و فرزندان با میزان تحصیلات پدران رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به سطح سنجش متغیرهای شکاف نسلی (فاصله‌ای) و میزان تحصیلات پدران (رتبه‌ای) از آزمون آنالیز واریانس (F) برای آزمون معنی داری این فرضیه استفاده می‌شود. نتایج آزمون فوق در جدول ذیل آمده است:

جدول ۶. تفاوت میزان تحصیلات پدران با شکاف نسلی

شکاف نسلی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری
واریانس بین گروهی	۹۷۶/۰۰۶	۷	۱۳۹/۴۲۹	۱/۴۶۱	۰/۰۰۲
واریانس درون گروهی	۸۲۹۱۹/۹۰۹	۲۷۴	۳۰۲/۶۲۷		
مجموع	۸۳۸۹۵/۹۱۵				

با توجه به جدول بالا، مقدار ضریب F برای آزمون تفاوت میانگین میزان تحصیلات پدران با دانش آموزان که مقدار ضریب $F=0/002$ در سطح معنی داری $\text{sig}=1/862$ است، فرض صفر رد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود؛ بدین معنا که بین میزان تحصیلات پدران و شکاف نسلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد و با بالا رفتن میزان تحصیلات پدران شکاف نسلی نیز افزایش پیدا می‌کند و عکس این قضیه نیز صادق است.

۴.۱۲ یافته‌های استنباطی (تحلیلی)

برای آزمون رابطه بین متغیرها (دین داری و شکاف نسلی) از آزمون t پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان داد که ضریب هم‌بستگی $-0/154$ و سطح معنی داری برابر با $0/000$ است که نشان می‌دهد رابطه معکوس بین متغیرها به تأیید رسیده است. بر این اساس، می‌توان گفت که هرچه میزان احساس دین داری بین دانش آموزان مورد مطالعه بالا باشد، به همان اندازه از میزان شکاف نسلی کاسته می‌شود و عکس آن نیز صادق است. رابطه بین متغیرهای شکاف نسلی و وسایل ارتباط جمعی نشان داد که ضریب هم‌بستگی $0/197$ و سطح معنی داری $0/02$ نشان‌دهنده رابطه معنادار بین متغیر مذکور با شکاف نسلی است. به این معنی که هر قدر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد میزان شکاف نسلی نیز بیشتر است. رابطه بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی نشان داد که ضریب هم‌بستگی $0/203$ و سطح معنی داری $0/002$ نشان‌دهنده تأیید رابطه بین متغیرهاست. بر این اساس، می‌توان گفت که هرچه میزان سرمایه فرهنگی بین افراد جامعه بالا باشد، به همان اندازه میزان شکاف نسلی بین افراد بیشتر می‌شود و عکس آن نیز صادق است. رابطه بین متغیرهای سرمایه اقتصادی والدین و شکاف نسلی نشان داد که ضریب هم‌بستگی $0/79$ و سطح معنی داری $0/009$ نشان‌دهنده رابطه معنادار بین متغیر مذکور با شکاف نسلی است. به این معنی که هر قدر سرمایه اقتصادی والدین دانش آموزان بیشتر باشد شکاف نسلی بیشتر است. رابطه بین متغیرهای سن و شکاف نسلی نشان داد که ضریب هم‌بستگی $0/85$ و سطح معنی داری $0/000$ نشان‌دهنده رابطه معنادار بین متغیرهاست. بر این اساس، می‌توان گفت که هرچه میزان سن افراد جامعه بالا باشد، به همان اندازه به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود و عکس آن نیز صادق است.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

شکاف نسلی		متغیر وابسته
سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	-۰/۱۵۴	دین داری
۰/۰۰۲	۰/۱۹۷	وسایل ارتباط جمعی
۰/۰۰۲	۰/۲۰۳	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۹	۰/۷۹	سرمایه اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۸۵	سن

۱۳. تحلیل چندمتغیره رگرسیونی

بر اساس نتایج که به روش رگرسیون هم‌زمان (Inter) انجام یافته است، می‌توان گفت که متغیر وابسته (شکاف نسلی) بیشتر متأثر از متغیر وسایل ارتباط جمعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، و سن است. به عبارتی در ایجاد شکاف نسلی متغیرهای مذکور بالاترین تأثیر و متغیر دین داری کمترین تأثیر را داشته است. با رجوع به جدول تحلیل رگرسیون چندمتغیره می‌توان دریافت که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تأیید شده است و ضریب تبیین تصحیح شده حکایت از آن دارد که ۲۱/۱ درصد تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل (هفت متغیر دین داری، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سن، تحصیلات، و جنسیت) تبیین شده است.

جدول ۸. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره شکاف نسلی

متغیر	بتا	T	سطح معناداری	ضریب همبستگی چندگانه
دین داری	-۰/۱۳۹	-۴/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰
وسایل ارتباط جمعی	۰/۳۳۵	۴/۵۰۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۱
سرمایه فرهنگی	۰/۲۵۳	۱/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۱
سرمایه اقتصادی	۰/۲۱۳	۱/۷۹	۰/۰۰۴	۱/۹۱
سن	۰/۱۱۴	۰/۳۱۴	۰/۰۰۲	۴/۹۱۵
تحصیلات	۰/۱۵	۱/۴۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۳۸	۲/۲۱	۰/۰۶۲	

بر اساس جدول بالا، مقدار بتا (beta) بین میزان دین‌داری و شکاف نسلی برابر $0/139-$ است. این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در دین‌داری به میزان $0/139$ از میزان شکاف نسلی کاسته می‌شود. مقدار بتای به‌دست‌آمده بین سیستم استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسلی برابر با $0/335$ است. این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی به میزان $0/335$ به شکاف نسلی افزوده می‌شود. مقدار بتای به‌دست‌آمده بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی برابر $0/253$ است؛ این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در سرمایه فرهنگی به میزان $0/253$ به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود. مقدار بتای به‌دست‌آمده بین سرمایه اقتصادی و شکاف نسلی برابر با $0/213$ است؛ این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در سرمایه اقتصادی به میزان $0/297$ به شکاف نسلی افزوده می‌شود. مقدار بتای به‌دست‌آمده بین سن و شکاف نسلی برابر $0/114$ است؛ این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در سن $0/114$ به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود. مقدار بتای به‌دست‌آمده بین تحصیلات و شکاف نسلی برابر $0/15$ است؛ این میزان حاکی از آن است که به ازای هر ۱ واحد افزایش در تحصیلات به میزان $0/15$ به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود.

بر اساس جدول ۸، از بین متغیرهای مستقل به ترتیب استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، و سن بیشترین تأثیر را در متغیر وابسته داشته‌اند. از این رو، می‌توان گفت این چهار متغیر بیش از متغیرهای دیگر می‌توانند واریانس متغیر شکاف نسلی را تبیین کنند.

۱۴. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، در دامنه ۹ تا ۲۸ میانگین شکاف نسلی $18/5$ بوده است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میزان شکاف نسلی بین دانش‌آموزان متوسط به پایین است. این موضوع حاکی از آن است که بسترهایی مستعد برای ظهور و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله شکاف نسلی در میان دانش‌آموزان وجود دارد و میزان شکاف نسلی آنان متوسط به پایین است. منظور از شکاف نسلی تعارض و اختلاف بین دو نسل است که می‌توان آن را گسست اجتماعی نامید. در تعریف از گسست اجتماعی بروز فاصله بین یک قشر با گروه سنی دیگر را با تعبیر گسست معروض می‌کنند؛ این گسست و فاصله

می‌تواند در طیفی از فاصله فکری و فرهنگی گرفته تا فاصله عاطفی یا فیزیکی جغرافیایی یا شرایط سطح زندگی باشد. با این تعریف بروز اختلاف جدی در سطح فکری و فرهنگی دو نسل را می‌توان گسست نامید (نجفی، ۱۳۸۳: ۴۰).

همچنان که در فرضیه اول این پژوهش مطرح شد و یافته‌های پژوهش نیز این موضوع را تأیید می‌کند بین جنسیت دانش‌آموزان و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود ندارد. بدین معنی که شکاف بین دختران و پسران به یک اندازه است و از لحاظ آماری تفاوت معناداری را از خود نشان نداده است. نتایج این تحقیق نیز با تحقیق پورحلبی و همکاران (۱۳۹۱) که بیان می‌کند تفاوت معناداری بین جنسیت و انسجام بین نسلی وجود ندارد همخوانی دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت بین سطح تحصیلات پدران و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یا کاهش میزان تحصیلات پدران شکاف نسلی افزایش یا کاهش می‌یابد و بر اساس یافته‌های تحقیقات مشابه در خانواده‌هایی که در طبقات پایین جامعه زندگی می‌کنند و فرزندان آن‌ها تحصیلات عالی دارند شکاف نسلی بیشتری احساس می‌شود؛ همچنین، نتایج تحقیق حاضر با تحقیق قدیمی (۱۳۸۸) همخوانی دارد که بین شکاف نسلی و میزان تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود دارد.

همچنان که در فرضیه سوم این پژوهش مطرح شد و یافته‌های پژوهش نیز این موضوع را تأیید می‌کند بین دین‌داری و شکاف نسلی رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. بنابراین، رابطه بین این دو متغیر معکوس و منفی است. یعنی دو متغیر دین‌داری و شکاف نسلی کاملاً در جهت خلاف یکدیگر عمل می‌کنند، و با افزایش یکی دیگری کاهش می‌یابد و برعکس؛ همچنین، نظریه دورکیم و وبر نیز این مطلب را تأیید می‌کند. از نظر ماکس وبر، دین اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است و می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه، انسان‌ها را به کنار آمدن با آن‌ها قادر می‌کند و در برابر این مشکلات به آن‌ها اعتماد به نفس می‌بخشد. به نظر وبر، در جوامع ابتدایی میل به بقا و برخورداری در این جهان مادی برانگیزاننده رفتار مذهبی است (سراج‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۵). پس در مجموع، با توجه به بالا بودن میزان دین‌داری در میان دانش‌آموزان و وجود رابطه معنادار دین‌داری با شکاف نسلی، می‌توان نتیجه گرفت که دین‌داری به‌منزله عاملی مهم در کاهش شکاف نسلی عمل کرده و به پایین‌بودن میزان شکاف نسلی در میان دانش‌آموزان منجر شده است.

در پژوهش حاضر میزان استفاده از رسانه با شکاف نسلی بیشترین رابطه را دارد به

گونه‌ای که، بیشترین تأثیر را در شکاف نسلی داشته است؛ به این معنی که هر چقدر استفاده از رسانه بیشتر باشد به همان اندازه بر میزان شکاف نسلی افزوده شده است. این مطابق با تئوری اینگلهارت است که گسترش رسانه‌های جمعی به تغییر ارزش‌ها منجر شده است به طوری که در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های انسانی اثر گذاشته است. لباس‌های یک‌شکل جوانان و موسیقی‌های جدید از نمونه‌های تأثیر استفاده رسانه در تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و پایبند نبودن آن‌ها به سنت‌های فرهنگی است. همچنین، یان رابرتسون معتقد است که رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهم‌تر این‌که در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، و به‌ویژه اینترنت، فضای ارتباطات و اثرگذاری آن‌ها بسیار افزایش یافته است. به طوری که ما هم‌اکنون تحت تأثیر این رسانه‌های نوین هستیم، به عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آن‌ها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات قدیمی (۱۳۸۸) و پورحلبی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

پیر بوردیو ویژگی‌های طبقات اجتماعی را در خصوص تملک سرمایه (سرمایه فرهنگی و اقتصادی) به صورت نظری و تجربی بررسی می‌کند. از نظر او جایگاه کنش‌گران اجتماعی در فضای طبقاتی به حجم و ساخت سرمایه آن‌ها بستگی دارد. از نظر او، سرمایه وسیله‌ای برای تشخیص و تمایز است. در این میان برای سرمایه فرهنگی و اقتصادی اهمیت زیادی قائل است. هم‌بستگی معنادار بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی نظر وی را تأیید می‌کند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی برقرار است؛ این بدین معنی که هر چقدر سرمایه فرهنگی در جامعه بالا باشد میزان شکاف نسلی بالاتر است و سرمایه فرهنگی پایین‌تر به میزان‌های پایین شکاف نسلی در میان دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

بوردیو معتقد است که عواملان اجتماعی به دو صورت واجد سرمایه‌اند و این سرمایه در شکل‌بخشیدن به جایگاه‌شان در ساختار طبقاتی مؤثر است. در بعد اول بر اساس میزان سرمایه‌ای (اقتصادی و فرهنگی) که در اختیار دارند و در بعد دوم بر اساس ساختار

سرمایه‌شان؛ یعنی وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه اقتصادی که صورت‌های مختلف دارند. بنابراین رابطه بین متغیرهای سرمایه اقتصادی و شکاف نسلی نشان داد که ضریب هم‌بستگی $0/۷۹$ و سطح معنی‌داری $۰/۰۰۹$ از رابطه معنادار بین متغیر مذکور با شکاف نسلی حکایت می‌کند، به این معنی که هر قدر سرمایه اقتصادی والدین بیشتر باشد میزان شکاف نسلی نیز بیشتر است.

در خصوص فرضیه آخر نیز رابطه بین متغیرهای سن و شکاف نسلی نشان داد که با بالا رفتن سن به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود. همچنین، نتایج این پژوهش با تئوری تراوب و دادر همخوانی دارد که معتقدند علت اساسی پیدایش این شکاف وجود جامعه تمایز یافته بر اساس سن است. در چنین جامعه‌ای به نظر نمی‌رسد جوانان و بزرگسالان به طور معنادار و مکرر با یکدیگر در کنش متقابل باشند، بلکه جوانان با دیگر جوانان و بزرگسالان با دیگر بزرگسالان در کنش متقابل اند. مطابق با تئوری فرضیه ترکیبی اینگلهارت، تفاوت سنی یا نسلی ناشی از چرخه زندگی، اقتضات سنی، و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزش‌های نسل جدید، که به تدریج با نقش‌های بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی - اجتماعی همراه‌اند، جانشین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود.

بنابراین، بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی در این حوزه به شرح ذیل ارائه کرد: با توجه به رابطه معکوس دین‌داری با شکاف نسلی، می‌توان با غنی‌سازی روحیه دین‌داری و ارتقای مؤلفه‌های مربوط به دین‌داری میزان شکاف نسلی را در بین دانش‌آموزان کنترل و تعدیل کرد. از طرف دیگر، خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در تولید و تقویت روحیه دین‌داری افراد نقش مهمی ایفا می‌کند و بافت اجتماعی به نوعی متأثر از تحولات خانوادگی است و هر گونه شکافی در فضای خانواده‌ها لزوماً در جامعه نمود می‌یابد. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم در آموزش زمینه‌های خانوادگی و سایر نهادهای فرهنگی مستقیماً منجر به کاهش میزان شکاف نسلی می‌شود. امروزه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون، ماهواره، تلفن همراه، کامپیوتر، اینترنت، و شبکه‌های نرم‌افزاری و اطلاعاتی موجود نسل جدید را به امکانات و قدرت تفاسیر متعدد و متنوعی تجهیز کرده است؛ در واقع استفاده از رسانه باعث خلق دنیای جدیدی برای جوانان شده است که دیگر چندان از دیگران فرمان نمی‌برند و تصمیمات را به تنهایی می‌گیرند. از این رو، به نظر می‌رسد که مسئولان امر بایستی با استفاده از همین

ابزار ارتباطی در کاهش روحیه فردگرایی و افزایش و ایجاد انگیزه برای روحیه جمع‌گرایی اقدامات لازم را انجام دهند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). *رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی*، مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- احمدی، طیب (۱۳۸۶). «مدیریت بدن و هویت اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رشت.
- الیاسی، محمد (۱۳۸۶). «سنجش رابطه گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران»، *مجله جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وکر، تهران: کویر.
- پورحلبی، ربابه و صمد عابدینی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان (نسل جدید) و مقایسه آن با والدین (نسل قدیم)»، *فصل‌نامه جامعه‌شناسی، مطالعات جوانان*، س ۲، ش ۵.
- زمانیان، علی (۱۳۸۷). *تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران*، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). *میانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- فعلی، جواد و ابوالفضل ذوالفقاری (۱۳۸۸). «تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی روی میزان اعتماد آن‌ها به پلیس»، *فصل‌نامه انتظام اجتماعی*، س ۱، ش ۳، پاییز.
- قاضی‌نژاد، مریم و محمد توکل (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظریات مانهایم و بوردیو»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران، ش ۲۷.
- قدیمی، مهدی (۱۳۸۸). «بررسی شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان»، *پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س ۳.
- کازینو، ژان (۱۳۶۴). *قدرت تلویزیون*، ترجمه علی اسدی، تهران: امیرکبیر.
- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۷۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- محمدی، عاطفه سادات (۱۳۸۸). «بررسی مسئله شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۴۵.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲). *شکاف و گفت‌وگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران*، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

آرمان احمدی و پویان اخیایی ۲۷

موسوی، سیدعلی (۱۳۹۱). «خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها»، *مجله علوم اجتماعی رسانه و خانواده*،
س ۱، ش ۴.
همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

- Merali, N. (2006). 'Individual Assimilation Status and Intergenerational Gaps in Hispanic Refugee Families', *International Journal for Advancement for Counseling*, Vol. 26, No. 1.
- Smith, Hillary et al. (2002). 'the Generation Gap: (Managing Technology-mediated Personal Social Networks)', *Chimera, Institute for Sociotechnical Innovation and Research*, No. 2, September.
- Zhang, Y. B. (2007). 'Initiating Factors of Chinese Intergenerational Conflict: Young Adults, Written Accounts', *Journal of Cross-cultural Gerontology*, Vol. 19.

Archive of SID